

فصلنامه تاریخ اسلام

سال یازدهم، شماره سوم و چهارم،

پاییز و زمستان ۱۳۸۹، شماره مسلسل ۴۴-۴۳

بررسی و نقد گزارش‌های تاریخ شهادت

امام حسن مجتبیٰ علیه السلام

تاریخ تأیید: ۸۹/۴/۲۸

تاریخ دریافت: ۸۹/۳/۱۱

یدالله مقدسی*

گزارش‌های متفاوتی درباره تاریخ شهادت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام ارائه شده است که تاریخ‌های هفتم و بیست و هشتم صفر در میان شیعیان مشهورتر از سایر گزارش‌ها هستند. این پژوهش برای پی بردن به زمان دقیق شهادت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام، ابتدا گزارش‌های منابع شیعه و اهل سنت را درباره تاریخ شهادت آن حضرت علیه السلام بررسی می‌کند. سپس به نقد ابعاد مختلف گزارش هفتم صفر، مانند شخصیت راوی، صحت انتساب گزارش به وی، فاصله زمانی میان وقوع رخداد و راوی و اشتباه در نسخه برداری می‌پردازد. و پس از بررسی گزارش بیست و هشتم صفر به روشی مشابه آن را بر گزارش هفتم صفر ترجیح می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: امام مجتبیٰ علیه السلام، هفتم صفر، بیست و هشتم صفر، تاریخ امامت،

امامت پژوهی.

* پژوهشگر پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

مقدمه

گزارش‌های متفاوتی درباره تاریخ ولادت و شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام وجود دارد. آگاهی‌های مناسبی درباره ماه و روز ولادت آن حضرت موجود است، ولی درباره تاریخ شهادت، گزارش‌های بسیار پراکنده و متفاوتی نقل می‌شود که در تعیین روز شهادت دارای اختلاف بیشتری هستند و تفاوت آرا درباره شهادت امام حسن علیه السلام سبب پراکندگی شیعیان در گرامی داشت این روز شده است.

برخی از نویسندگان پیشین درباره تاریخ شهادت امام مجتبی علیه السلام مطالبی نوشته‌اند، ولی پژوهش‌های کاملی که گزارش‌های پراکنده را درباره این موضوع ارزیابی کند، انجام نشده است. به همین سبب انجام تحقیقی کامل و منسجم برای تعیین زمان شهادت امام حسن علیه السلام ضروری است.

در این پژوهش با بررسی منابع کهن شیعه و سنی به بازخوانی گزارش‌های گوناگون درباره شهادت آن حضرت علیه السلام می‌پردازیم و با فرضیه «امام حسن مجتبی علیه السلام در بیست و هشتم صفر سال پنجاه هجری به شهادت رسید»، عوامل اختلاف گزارش و زمان وقوع آن را بررسی می‌کنیم.

ماه شهادت

منابع کهن شیعه و سنی درباره ماه شهادت امام حسن علیه السلام نظر یکسانی ندارند؛ دسته‌ای از این منابع اشاره‌ای به ماه شهادت آن حضرت علیه السلام ندارند و دسته‌ای دیگر که از این زمان یاد کرده‌اند بر دو ماه صفر و ربیع الاول تأکید می‌کنند.

منابع شیعه ماه صفر را ماه شهادت آن حضرت علیه السلام می‌دانند و بسیاری از عالمان شیعه در آثارشان به این موضوع اشاره می‌کنند. برخی از عالمان بزرگ شیعه که در آثارشان، ماه صفر را زمان شهادت امام حسن علیه السلام می‌دانند، عبارتند از:

سعد بن عبدالله اشعری (حدود ۳۰۰ ق) در *المقالات و الفرق*^۱، نوبختی (حدود ۳۲۰ ق)

در *فرق الشیعه*^۲، کلینی (م ۳۲۹ ق) در *الکافی*^۲، ابن خزاز (نیمه قرن چهارم ق) در *کفایه*

الأثر،^۴ حسن بن محمد قمی (م ۳۷۸ ق) در تاریخ قم،^۵ شیخ مفید (۳۳۶ - ۴۱۳ ق) در الأرشاد^۱ و مسار الشیعة،^۶ شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) در مصباح المتجهد،^۷ طبری امامی (قرن پنجم قمری) در دلائل الإمامة،^۸ طبرسی (م ۵۴۸ ق) در إعلام الوری^۹ و تاج الموالید،^{۱۰} فتال نیشابوری (م ۵۰۷ ق) در روضة الواعظین،^{۱۱} شعیری (زنده در قرن ششم) در جامع الأخبار،^{۱۲} ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) در مناقب آل أبی طالب،^{۱۳} اربلی (۶۹۳ ق) در كشف الغمة،^{۱۴} ابن طقطقی (۷۰۹ ق) در الأصلی،^{۱۵} شیعی سبزواری (زنده در ۷۵۷) در راحة الأرواح،^{۱۶} شهید اول (م ۷۸۶ ق) در الدروس،^{۱۷} رضی الدین علی حلی (۶۳۵ - ۷۰۳ ق) در العدد القویة،^{۱۸} کفعمی (حدود ۹۰۰ ق) در بلد الامین^{۱۹} و المصباح،^{۲۰} عاملی (۹۱۸ - ۹۸۴ ق) در وصول الأخبار إلى أصول الأخبار،^{۲۱} شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ ق) در توضیح المقاصد^{۲۲} و جامع عباسی.^{۲۳}

بیشتر منابع اهل سنت، ماه ربیع الاول را زمان شهادت امام حسن علیه السلام اعلام می کنند و برخی از عالمان بزرگ ایشان که در آثارشان به این موضوع اشاره کرده اند، عبارتند از: محمد بن سعد (م ۲۳۰ ق) در ترجمه الامام الحسن من کتاب الطبقات الکبری،^{۲۴} زبیری (م ۲۳۶ ق) در کتاب نسب قریش،^{۲۵} ابن قتیبه (م ۲۷۶ ق) در المعارف،^{۲۶} بلاذری (م ۲۷۹ ق) در انساب الأشراف،^{۲۷} ابن ابی الدنيا (۲۰۸ - ۲۱۸ ق) در مقتل أمير المؤمنین،^{۲۸} دولابی (م ۳۱۰ ق) در الذریة الطاهرة،^{۲۹} طبرانی (م ۳۶۰ ق) در المعجم الکبیر،^{۳۰} خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ق) در تاریخ بغداد،^{۳۱} ابن عبدالبر (م ۴۶۳ ق) در الاستیعاب،^{۳۲} حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق) در المستدرک علی الصحیحین،^{۳۳} ابن عساکر (م ۵۱۷ ق) در تاریخ مدینة دمشق،^{۳۴} ابن جوزی (م ۵۹۷ ق) در المنتظم،^{۳۵} سبط بن جوزی (م ۶۵۴ ق) در تذکرة الخواص،^{۳۶} ابن ابی الحدید (م ۶۵۶ ق) در شرح نهج البلاغه^{۳۷} (جلد ۱۶).

گروهی نیز در میان عالمان شیعه و سنی با دیدگاه رایج مخالفت کردند و نظردیگری را ابراز داشتند. نویسندگان این دسته از آثار عبارتند از: گنجی شافعی (م ۶۵۸ ق) که در *کفایة المطالب*^{۳۹}، ماه صفر را زمان شهادت آن حضرت علیه السلام اعلام می‌کند. یعقوبی (م ۲۹۲ ق) که تنها مورخ شیعه است که در تاریخش،^{۴۰} این زمان را ماه ربیع الاول می‌داند. قاضی نعمان مغربی (۳۶۳ ق) در شرح *الأخبار*^{۴۱} میان ماه ربیع الاول و صفر تردید دارد. حاسب طبری (ربع آخر سده پنجم) در *زیج مفرد*^{۴۲} از ماه رجب، به عنوان ماه شهادت آن حضرت علیه السلام نام می‌برد.

بررسی اسناد اهل سنت درباره ماه شهادت

اسناد آن دسته از منابع اهل سنت که ربیع الاول را به عنوان ماه شهادت پذیرفته‌اند، پراکنده است. محمد بن سعد (۲۳۰ یا ۲۳۶ ق) این گزارش را به نقل از علی بن محمد مدائنی (۲۲۸ ق) و مسلمة بن محارب بیان می‌کند.^{۴۳} زبیری (۲۳۶ ق)^{۴۴} و ابن قتیبه (۲۷۶ ق)^{۴۵} بدون سند این ماه را می‌پذیرند که به نظر می‌آید به جهت نزدیکی زمان این دو با محمد بن سعد، گزارش ایشان به سند محمد بن سعد می‌رسد. بلاذری (۲۷۹ ق) با تعبیر و یقال. از آن نام می‌برد^{۴۶} که این تعبیر، نشانه تردید او است. ابن ابی الدنيا (۲۸۱ ق) به نقل از زبیر بن بکار (۲۵۶ ق) آن را بیان می‌کند^{۴۷} که طریق او به خطیب بغدادی^{۴۸} و سند محمد بن سعد می‌رسد. دولابی (۳۱۰ ق) این روایت را از طریق محمد بن ابراهیم بن هاشم از محمد بن عمره بیان می‌کند که نام محمد بن عمره در منابع رجالی مجهول است.^{۴۹} محمد بن حبان بستی (۳۴۵ ق) به نقل از ابوحاتم (۲۷۵ یا ۲۷۷ ق) آن را می‌آورد.^{۵۰} ابوحاتم به سبب این که در ردیف راویان از محمد بن سعد جای دارد،^{۵۱} می‌توان گفت که سندش همان سند محمد بن سعد است. طبرانی (۳۶۰ ق)، آن را از محمد بن عبدالله بن نمیر (۲۳۴ ق) نقل می‌کند^{۵۲} که نقل او نیز به سند محمد بن سعد می‌رسد.^{۵۳} حاکم نیشابوری (۴۰۵ ق) نیز سند این روایت را از محمد بن عمر واقدی (۲۰۷

ق) از مسلمة بن محارب می‌آورد^{۴۴} که این سند، همان سند محمد بن سعد است. پس از ایشان خطیب بغدادی (۴۶۳ ق)، آن را از طریق ابن اُبی الدنيا از محمد بن سعد نقل می‌کند^{۴۵} و ابن عبدالبر (۴۶۳ ق) از طریق شعبی با تردید و با تعبیر قیل، آن را ثبت می‌کند.^{۴۶}

مورخان بعدی با نگاه به این پیشینه این تاریخ را می‌پذیرند که می‌توان از ابن عساکر (۵۷۱ ق)^{۴۷} تلمسانی (قرن ۷ ق)^{۴۸} و سبط بن جوزی (۶۵۴ ق)^{۴۹} در این ردیف نام برد. با بررسی منابع یاد شده، مشخص می‌شود که گزارش شهادت امام مجتبی علیه السلام در ربیع الأول، در منابع کهن اهل سنت به دو شکل بیان می‌شود.

۱. این گزارش با تعبیر قیل و یقال بیان می‌شود، نویسندگان این دسته از منابع یا اسنادی در اختیار نداشتند و شنیده‌های خود را ثبت نمودند و یا به اسناد موجود اعتماد نداشتند و یا اسناد آنها به اسناد گروه دوم می‌رسد.

۲. گروهی گزارش را با سند آن بیان می‌کنند و تمام گزارش‌ها در نهایت به سند محمد بن عمر واقدی و سند کاتب او محمد بن سعد می‌رسد؛ چرا که واقدی آن را از مسلمة بن محارب نقل می‌کند و محمد بن سعد هم از طریق مدائنی از مسلمة بن محارب بیان می‌کند. راوی مسلمة، حرب بن خالد نوه پسری یزید بن معاویه بن ابوسفیان

است و نام حرب در منابع رجالی اهل سنت نیست و در منابع تراجم توثیق نمی‌شود.^{۵۰} لازم به ذکر است، نخستین ناقلان گزارش شهادت امام مجتبی علیه السلام در ربیع الأول، مانند واقدی، مدائنی و ابن سعد اهل عراق بودند و در بصره، بغداد و مداین می‌زیستند. از سوی دیگر، خبر شهادت امام مجتبی علیه السلام به گفته مدائنی،^{۵۱} پس از دو روز در بصره منتشر شد. با در کنار هم قرار دادن این دو مطلب، می‌توان نتیجه گرفت که مقصود این گروه از مورخان، انتشار و رسیدن خبر در ربیع‌الاول به عراق است، چون ایشان روزهای نخست این ماه را به عنوان روز شهادت می‌پذیرند که این خبر در همان روزها در عراق منتشر شده بود.

بررسی اسناد شیعیان درباره ماه شهادت

برخی از محدثان و مورخان شیعه در منابع کهن، ماه صفر را بدون بیان سند، به عنوان ماه شهادت پذیرفته‌اند و برخی دیگر سند این مطلب را بیان کرده‌اند. افرادی؛ چون ابن خزاز روایت خویش را با سند بیان می‌کنند.^{۶۲} ابن خزاز این روایت را صحیحة الأسانید می‌خواند.^{۶۳} و محدث قمی آن را معتبر می‌داند.^{۶۴}

در میان محدثان و مورخان که این گزارش را بدون بیان سند آورده‌اند، نام کلینی، حسن بن محمد قمی، شیخ مفید، شیخ طوسی، طبری امامی، فتال نیشابوری، شیخ طبرسی، ابن شهر آشوب، اربلی دیده می‌شود. این گروه اسناد قابل اعتمادی داشتند که بعدها از بین می‌رود و آنان بر اساس آن اسناد، این تاریخ را پذیرفته بودند عبارت شیخ مفید در مقدمه مسار الشیعة، این مطلب را ثابت می‌کند. وی در این باره می‌نویسد:

همواره صالحان شیعه در دوره‌های تاریخ، با انگیزه تقرب الهی از طریق

انجام دادن هر عمل عبادی در زمان مربوط به خود و نیز به هدف اقامه دین با

رعایت زمان‌های حزن و سرور، این تاریخ‌ها را پاس می‌داشتند.^{۶۵}

این عبارت نشان می‌دهد که ایشان به ثبت آثار، یاد، نام و زمان‌های منتسب به اهل بیت علیهم‌السلام اهتمام می‌ورزیدند و حدیث «اهل هر خانه نسبت به حوادث و امور مربوط به آن خانه داناتر از دیگرانند»^{۶۶} در این خصوص کاربرد دارد؛ چرا که شیعیان به سبب وابستگی فکری به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، همانند اهل خانه آنان به شمار می‌روند.

در میان نویسندگان شیعه، یعقوبی تنها کسی است که ماه ربیع‌الاول را به عنوان ماه شهادت می‌پذیرد. او در مقدمه کتابش تصریح می‌کند که یکی از اسنادش در این کتاب علی بن محمد مدائنی (۱۳۵ - ۲۲۸) است.^{۶۷} بنابراین می‌توان گفت که سند او در این نقل، مدائنی است؛ زیرا محمد بن سعد نیز این گزارش را از مدائنی نقل می‌کند.^{۶۸} بر این اساس این سخن یعقوبی در ردیف گزارش اهل سنت جای می‌گیرد؛ چون مدائنی از

راویان آنان به شمار می‌رود و سندش به روایت حرب بن خالد می‌رسد که پیش از این بررسی شد.

روز شهادت در میان شیعیان

گزارش‌هایی که تولد امام مجتبی علیه السلام را در ماه صفر می‌دانند، درباره روز شهادت آن حضرت علیه السلام دارای پراکندگی هستند؛ در گروه اول از این گزارش‌ها، تنها به ذکر ماه صفر، بدون نام بردن از روز آن بسنده می‌شود. که در این گروه می‌توان از دو کتاب *الأرشاد*^{۶۹} و *المقنعة*^{۷۰} اثر شیخ مفید و کتاب *تهذیب الأحکام*^{۷۱} اثر شیخ طوسی نام برد. گروه دوم، از آخر ماه صفر نام می‌برند. گروه سوم، از دو شب باقی‌مانده از ماه صفر؛ یعنی بیست و هشتم صفر گزارش می‌دهند و گروه چهارم، از هفتم ماه صفر یاد می‌کنند.

نقد گزارش هفتم صفر

با بررسی آرای مختلف درباره روز شهادت امام حسن علیه السلام درباره صفر، گزارش گروه نخست را می‌توان با هر سه گروه دیگر تطبیق داد، اما برای دستیابی به تاریخ دقیق شهادت آن حضرت علیه السلام باید به بررسی منابع سایر گروه‌ها بپردازیم و برای رسیدن به این امر ابتدا سند دیدگاه هفتم صفر را بررسی می‌کنیم.

دیدگاه شهید اول

شهید اول (۷۸۶ ق)، گزارش‌گر شهادت امام مجتبی علیه السلام در هفتم صفر است^{۷۲} و هیچ یک از منابع پیش از او، این مطلب را ثبت نکرده‌اند. مامقانی (۱۳۵۱ ق) این تاریخ را به کتاب *الأرشاد* شیخ مفید نسبت می‌دهد،^{۷۳} اما در نسخه‌های مختلف کتاب *الأرشاد*، مانند نسخه‌هایی که نزد اربلی، مجلسی و بحرانی بود^{۷۴} و نیز در نسخه چاپ شده آن، نام و نشانی از این تاریخ نیست. در این نسخه‌ها، تنها به شهادت آن حضرت علیه السلام در ماه صفر، بدون تعیین روز آن اشاره می‌شود، بنابراین سند شهید اول در این گزارش روشن نیست. برخی احتمال می‌دهند که سخن شهید اول به گزارش قاسم بن ابراهیم رسی منسوب

است. بنابراین، گزارش شهید اول را بر سایر گزارش‌ها ترجیح می‌دهند. برای روشن شدن این احتمال، گزارش منسوب به قاسم رسی را بررسی می‌کنیم.

گزارش منسوب به قاسم رسی

در سال‌های اخیر، کتابی با نام *تثبیت الأمامه*، تألیف قاسم به ابراهیم رسی (۱۶۹ - ۲۴۶ ق) با تلاش و تحقیق صالح وردانی مصری از سوی مؤسسه الغدير بیروت در نود و شش صفحه، همراه با مقدمه تحقیق و فهرست منابع چاپ شده است که موضوع آن امامت و برتری امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام بر دیگران است.

از این کتاب، سه نسخه خطی در کتابخانه‌های قاهره، برلین و دانشگاه صنعاء موجود است.^{۷۵} به گفته فؤاد سزگین «روی نسخه موجود در کتابخانه برلین، تاریخ ۵۴۴ ق ثبت شده است»^{۷۶} و این نشان دهنده تاریخ این نسخه است. نسخه دانشگاه صنعاء به کوشش صالح وردانی منتشر شده که حجم آن هشت ورق است.^{۷۷} به گفته وردانی:

این نسخه ضمیمه مجموعه رسائلی است که بر روی آن نام قاسم رسی نوشته شده است و هر یک، حجم کمی از مجموعه را تشکیل می‌دادند. بر این مجموعه رسائل، تاریخی ثبت نشده است تا مشخص شود که این نسخه متعلق به چه قرنی است.

هم چنین، وی می‌نویسد:

در حاشیه رساله تثبیت الأمامه ثبت شده است که مؤلف در این رساله به یاری مذهب زیدیه می‌پردازد. و با این رویکرد که امیرمؤمنان علیه السلام بر خلفای سه گانه برتری دارد، مطالبش را می‌نویسد.^{۷۸}

مؤلف در این کتاب با بهره‌گیری از قرآن و حدیث، متنی کوتاه و عالمانه تنظیم کرده که ابتدا بر لزوم اصل امامت استدلال می‌کند و سپس به امامت و برتری امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام بر دیگران می‌پردازد. این متن که منسوب به قاسم بن ابراهیم رسی

است، در پاسخ پرسشی در موضوع امامت تنظیم شده و پس از تحقیق به حجم سی صفحه در آمده است.

در پی آن، متنی سه صفحه‌ای، با عنوان *موجز تواریخ الأئمة الأئسی عشر ضمیمه* رساله گردیده که در آن، شناسنامه امامان دوازده‌گانه با عنوان هادی «ابوه، امه، ولادته، القابه، وفاته (شهادته) ثبت شده است. در این متن درباره تاریخ شهادت امام مجتبی علیه السلام نوشته شده است:

توفی فی السابع من شهر صفر سنه ۵۰ ق.^{۷۹}

در این سه صفحه، تاریخ‌های مربوط به سه امام دیگر نیز ثبت گردیده است که نویسندگان آن شهادت امام هادی علیه السلام را در سال ۲۵۴ ق، تولد امام عصر علیه السلام را در سال ۲۵۵ ق و شهادت امام عسکری علیه السلام را در سال ۲۶۰ ق می‌دانند.^{۸۰} این در حالی است که قاسم رسی که این متن سه صفحه‌ای را به او نسبت می‌دهند، در سال ۲۴۶ ق در گذشت.^{۸۱}

در نسخه چاپی این دو متن، قلم متن سه صفحه‌ای با عنوان *موجز تواریخ الأئمة الأئسی عشر*، با قلم متن سی صفحه‌ای تفاوت دارد. گویا محقق، متن سه صفحه‌ای را به آخر کتاب می‌افزاید و یا در انتساب آن به قاسم رسی تردید دارد.

نقد گزارش منسوب به قاسم رسی

برای پی بردن به صحت گزارش قاسم رسی، این گزارش را از ابعاد مختلف، مانند شخصیت قاسم رسی، انتساب روایت به وی، فاصله زمانی گزارش و رخداد و نسخه باقی مانده از متن کتاب نقد و بررسی می‌کنیم.

۱. شخصیت قاسم رستی

ابو محمد قاسم رستی (۱۶۹ - ۲۴۶ ق)، پسر ابراهیم طباطبا بن اسماعیل بن ابراهیم غمر بن حسن مثنی از نوادگان امام مجتبی علیه السلام ملقب به امیر قاسم بود. او، فردی عقیف و زاهد بود و مردم را به وصی آل محمد فرا می‌خواند.^{۸۲} برخی نیز، وی را از بزرگان و امیران زیدیه می‌دانند.^{۸۳}

از او آثاری به یادگار مانده که کتاب *تثبیت الامامة در اعتقادات و الايمان و النذور* در موضوع فقه، از آنها است.^{۸۴} در کتاب *شناسی زیدیه*، رساله‌هایی با نام‌های *الأصول الخمسة*، *اصول الدین*، *المسترشد*، *الرد علی المجتبه*، *الرد علی النصارى* در اعتقادات و *رساله‌های الطهارة*، *صلاة الیوم و اللیلة* در فقه به عنوان آثار او ثبت شده است.^{۸۵} نجاشی درباره کتاب او با تعبیری کلی، بدون آن که نام کتابی خاص را مشخص کند، می‌گوید:

وی کتابی دارد که آن را از طریق پدرش و دیگران از جعفر بن محمد علیه السلام نقل کرده و همان را از موسی بن جعفر علیه السلام نیز نقل کرده است.^{۸۶}

روایت نجاشی درباره کتاب قاسم رستی، تنها سندی است که نام او را در ردیف راویان امامان علیهم السلام در منابع رجالی ثبت کرده است. این امر در حالی است که او در دوران امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام و بخشی از دوران امام هادی علیه السلام در مدینه به سر می‌برد و می‌توانست از این بزرگواران روایت کند.

۲. ارزیابی انتساب

سند کتاب *تثبیت الامامة* منسوب به قاسم رستی و سند گزارش هفتم صفر منسوب به او روشن نیست. نجاشی از کتاب او نام می‌برد و آن را به نقل از امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام می‌داند.^{۸۷} اما نام این کتاب را مشخص نمی‌کند و با توجه به این که وی کتاب‌های متعددی دارد، معلوم نیست کدام کتاب او مستند به دو امام یاد شده است. در نتیجه از سخن نجاشی، استناد کتاب *تثبیت الامامة* به معصوم علیه السلام ثابت می‌شود، بلکه

احتمال می‌دهیم که مقصود نجاشی کتاب فقهی او باشد زیرا بزرگان شیعه در مستند کردن موضوع فقهی و حدیثی به معصوم علیه السلام، اهتمام فراوانی داشتند.

به فرض، اگر با این سخن نجاشی استناد کتاب *تتمیت الأمامة* رسی به امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام اثبات شود، اعتبار کتاب ثابت نمی‌شود؛ زیرا نجاشی تنها به این نکته توجه می‌کند که او کتابی دارد که آن را با واسطه از امام صادق علیه السلام و بدون واسطه از امام کاظم علیه السلام نقل می‌کند ولی نجاشی درباره اعتبار رسی و کتاب او، اظهار نظر نمی‌کند و از سایر رجالیان نیز مطلبی درباره تأیید یا تکذیب رسی و کتابش موجود نیست. تنها ابن داود با استناد به نجاشی، نام او را در ردیف راویان مدح شده می‌آورد،^{۸۸} با این که در سخن نجاشی نشانه‌ای از مدح یا ذم رسی نبود.

به هر حال، اگر بتوان با سخن نجاشی، اعتبار کتاب منسوب به رسی را ثابت کرد، انتساب متن سه صفحه‌ای ضمیمه کتاب با عنوان *موجز تواریخ الائمة الأئنی عشر* را به امامان معصوم علیهم السلام، نمی‌توان اثبات کرد؛ زیرا آخرین تاریخ نوشته شده در این متن شهادت امام عسگری علیه السلام در هشتم ربیع الأول سال ۲۶۰ ق است.^{۸۹} در حالی که قاسم رسی چهارده سال پیش از آن، یعنی در سال ۲۴۶ ق درگذشت.^{۹۰}

بنابراین نویسنده این متن، قاسم رسی نیست و فرد دیگری در سال‌های پس از ۲۶۰ ق یا در سده‌های بعدی، تاریخ ولادت و شهادت امامان اثنی عشر علیهم السلام را ضمیمه کتاب کرده است و سند او نیز مشخص نیست، زیرا محقق کتاب، با این که نسخه خطی قسمت اصلی کتاب *تتمیت الأمامة* را چاپ کرده، نشانی از نسخه خطی این قسمت سه صفحه‌ای ارائه نکرده است و نسخه خطی دیگری هم از این قسمت در دسترس نیست.

اگر فرض کنیم که دو نسخه کتابخانه‌های قاهره و برلین دارای این ضمیمه سه صفحه‌ای باشند، هم چنان اشکال عدم توازن میان تاریخ وفات مؤلف با تاریخ ثبت شده درباره دو امام هادی و عسگری [سلام الله علیهما] وجود دارد و بزرگان شیعه دوران رسی و کمی پس از او، مانند کلبی، نوبختی، اشعری، کلینی گزارش هفتم صفر را از او یا دیگران ثبت نکرده‌اند تا از این طریق سند گزارش روشن شود.

برخی احتمال می‌دهند، فردی که مدتی در کوه «رس» در اطراف مدینه پنهان شده

بود، قاسم بن ابراهیم رسی است.^{۹۱} پس کتاب او و متن تاریخ‌های یاد شده (سه صفحه‌ای) مربوط به امامان علیهم السلام، به دست راویان و نویسندگان معاصر او و پس از او نرسیده است. اما این احتمال، به چهار دلیل درست نیست:

۱. این متن سه صفحه‌ای دربارهٔ تاریخ زندگی امامان علیهم السلام با تاریخ درگذشت رسی هم خوانی ندارد و نمی‌تواند متعلق به او باشد.

۲. اگر فرض کنیم بخشی از آن از او باشد، باز هم نمی‌توان گفت که این متن، مدتی در کوه رس، پنهان بود؛ چون فردی که مدتی در کوه رس پنهان بود، قاسم بن ابراهیم رسی نبود، بلکه قاسم بن محمد رسی بود که در یمن ظهور کرد و از امامان زیدیه به شمار می‌آمد.^{۹۲} بنابراین، احتمال پنهان بودن کتاب‌های قاسم بن ابراهیم رسی در کوه رس، بی‌مدرک و بی‌پایه است.

۳. نوادگان او در مصر و بغداد ساکن بودند و تعدادشان نیز کم نبود.^{۹۳} در میان ایشان عالمانی بودند که می‌توانستند کتاب‌ها و گزارش‌های او را در اختیار دیگران قرار دهند.

۴. بزرگانی؛ چون نوبختی، اشعری، کلینی، مسعودی، مفید در بغداد می‌زیستند و از عالمان سرشناس آن دیار به شمار می‌آمدند و در دوران آنان دست‌رسی به آثار گروه‌های مختلف شیعه چندان دشوار نبود. به ویژه دست‌رسی به آثار دیگران برای مسعودی و مفید آسان‌تر بود؛ زیرا مسعودی نویسنده‌ای اهل سیاحت بود و بخشی از مطالب تاریخی و غیر تاریخی را در سفرهایش به دست آورد و می‌توانست به گزارش رسی پی برد. شیخ مفید نیز که در دوران فاطمیان مصر و آل بویه شیعه مذهب بغداد می‌زیست.^{۹۴} در دست‌یابی به منابع شیعی شرایط مناسبی داشت و به آسانی می‌توانست به آثار راویان شیعه دست یابد و دلیلی برای پنهان ماندن گزارش رسی از ایشان وجود ندارد.

با این شرایط، وقتی از گزارش منسوب به قاسم بن ابراهیم رسی دربارهٔ هفتم صفر در کتاب‌های این بزرگان نشانه‌ای نیست، می‌توان نتیجه گرفت که این گزارش در آن دوران نبود و بعدها به وجود آمد و اگر در آن دوران وجود داشته است، ایشان به این گزارش اعتمادی نداشتند و آن را بیان نکردند.

۳. بررسی زمان گزارش

اگر با چشم‌پوشی از تمام ایرادها، انتساب تاریخ هفتم صفر به قاسم رسی را بپذیریم، باز این گزارش قابل اعتماد نیست؛ زیرا هر چند، این خبر به لحاظ تقدّم تاریخی می‌تواند در ردیف گزارش‌های کهن قرار گیرد، اما با دوران امام مجتبی علیه السلام فاصله‌ای طولانی دارد. قاسم بن ابراهیم در سال ۱۶۹ ق^{۹۵} در حدود صدویست سال پس از شهادت امام مجتبی علیه السلام متولد شد. اگر او در حدود ده سالگی می‌توانست مطالبی را ثبت و ضبط کند، می‌توان نتیجه گرفت. که شاید حدود صد و سی سال پس از شهادت امام مجتبی علیه السلام این کار را انجام داده است. او گزارشش را با این فاصله زمانی بدون سند ارائه می‌کند و این گزارش اتصال سندی ندارد بنابراین فاصله زمانی سبب از بین رفتن اعتبار این گزارش می‌شود.

برخی بر این باورند که این گونه گزارش دادن یک روش تاریخی است و تمام کتاب‌های تاریخی چنین روشی دارند، اما باید توجه داشت که همه گزارش‌های تاریخی چنین نیستند و گزارش‌ها و کتاب‌های تاریخی مستند، کم نیستند. هم چنین، در مواردی که گزارش تاریخی بی‌سند باشد، در صورتی پذیرفته می‌شود که گزارشی مستند در برابرش نباشد. در غیر این صورت، در پژوهش‌های تاریخی، گزارش مستند، با سند قابل اعتماد، پذیرفته می‌شود.

در این جا گزارش رسی با گزارش جنادة بن ابي امیة تابعی در تعارض است؛ زیرا جنادة که به هنگام شهادت امام مجتبی علیه السلام در کنار بستر آن حضرت علیه السلام حضور داشت و به وصیت‌های ایشان گوش فرا می‌داد، تاریخ شهادت را آخر صفر می‌داند.^{۹۶} سند گزارش جنادة موثق است و ابن خزاز این روایت و دیگر روایت‌های کتاب او را صحیحة الأسانید می‌خواند.^{۹۷} و محدث قمی نیز، خبر جنادة را معتبر می‌داند.^{۹۸}

از سویی دیگر، گزارش منتسب به رسی به این دلیل که وی از نوادگان امام مجتبی علیه السلام است و به امور خاندان خویش آگاه‌تر است بر دیگر گزارش‌ها ترجیح ندارد؛

زیرا با توجه به مطالب و اشکال‌های یاد شده، اصل انتساب این گزارش به رسی ثابت نمی‌شود و نمی‌توان سخنی را که اساسی ندارد بر گزارش مستند و قابل اعتماد، ترجیح داد.

۴. اشتباه در نسخه‌برداری

این احتمال وجود دارد که در هنگام ثبت تاریخ، میان زمان قمری و شمسی اشتباهی رخ داده است. شهادت آن حضرت علیه السلام در محاسبه نجومی با تاسع حمل (نهم فروردین) مصادف می‌شود.^{۹۹} و احتمال می‌رود نخستین بار تاریخ تاسع حمل با خط کوفی و بی‌نقطه نوشته شده است. سپس نسخه بردار آن به سبب بی‌نقطه بودن کلمه‌های «سابع، تاسع، حمل، صفر» و مشابه بودن آن‌ها با یک‌دیگر واژه «تاسع» را «سابع» و «حمل» را «صفر»، قرائت نموده و آن‌ها را به شکل اشتباه ثبت کرده است. به تدریج، این گزارش نزد افرادی که از آن آگاهی یافتند «سابع صفر» نامیده شد و این تاریخ به زمان شهادت امام مجتبی علیه السلام معروف گشت. این گونه خطاها در قرائت نسخه‌های قدیمی کم نیستند و شاید عدم اشاره به گزارش «هفتم صفر» در منابع نخستین و کهن شیعه بر این اساس است. بنابراین شاید منبع گزارش شهید اول از این گونه نسخه‌ها بوده است که مورد توجه سایر منابع قرار نمی‌گیرد.

نگاه شیعیان به هفتم صفر پس از شهید اول

پس از شهادت شهید اول و از قرن هشتم به بعد کفعمی جبل عاملی (۹۰۵ ق)، ابتدا در کتاب *بلد الامین*^{۱۰۰} شهادت آن حضرت علیه السلام را در بیست و هشتم صفر می‌داند، ولی بعدها در کتاب *المصباح* به بیان گزارش شهید اول می‌پردازد و تنها به آن بسنده می‌کند.^{۱۰۱}

پس از او، شیخ حسین عاملی (۹۱۸ - ۹۸۴ ق) در *وصول الأخیار إلی اصول*

الأخبار^{۱۰۲} و پسرش شیخ بهایی (۱۰۳۱ ق) در *جامع عباسی*^{۱۰۳} و *توضیح المقاصد*^{۱۰۴}

فیض کاشانی (۱۰۹۱ ق) در *تقریم المحسنین*^{۱۰۵}، شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۲۳۸ ق) در *کشف الغطاء*^{۱۰۶}، صاحب جواهر (۱۲۶۶ ق) در *جواهر الکلام*^{۱۰۷} و جاپلغی بروجردی (۱۳۱۳ ق) در *طرایف المقال*^{۱۰۸}، به بیان این تاریخ می‌پردازند و همسانی عبارتهای ایشان با کلام شهید اول، حکایت از تأثر این عالمان از گزارش شهید اول دارد.

محدث قمی (۱۲۹۴ - ۱۳۵۹ ق) در کتاب *انوار البهیة*^{۱۰۹} با تأثر از شهید اول، هفتم صفر را به عنوان روز شهادت امام حسن علیه السلام می‌پذیرد، ولی در سه کتاب مهم و تحقیقی بعدی خود؛ یعنی *سفینه البحار*^{۱۱۰}، *مفاتیح الجنان*^{۱۱۱} و *منتهی الأمال*^{۱۱۲} از این رأی چشم می‌پوشد و به همان روشی باز می‌گردد که پیش از *انوار البهیة* در کتاب *فیض العلام فی عمل الشهور و وقایع الأيام*^{۱۱۳} به کار می‌بست؛ یعنی او در این کتاب‌ها، سه دسته گزارش همراه با معرفی منابعشان درباره تاریخ شهادت ارائه می‌دهد ولی هیچ یک را انتخاب نمی‌کند.

و در *فیض العلام* و *مفاتیح الجنان*، هفتم صفر را از شهید اول و بیست و هشتم صفر را از شیخ مفید و شیخ طوسی نقل می‌کند و در *سفینه البحار*، آخر صفر را از کلینی و ابن خزاز و هفتم صفر را از شهید اول^{۱۱۴} و کفعمی حکایت می‌کند. در *منتهی الأمال* می‌نویسد که بعضی هفتم صفر و جمعی بیست و هشتم صفر را گفته‌اند و آن‌گاه، آخر صفر را از ابن خزاز در *کفایة الأثر* نقل می‌کند و سندش را معتبر می‌داند.^{۱۱۵}

وی در این چهار کتاب پس از بیان این گزارش‌ها از هر سخنی که حاکی از انتخاب او باشد، پرهیز می‌کند و این نشانه تردید او در تاریخ دقیق شهادت است. او در حقیقت با این روش، انتخابش را در *انوار البهیة*، به چالش می‌کشد.

بنابراین، برای سخن شهید اول درباره شهادت امام حسن علیه السلام در هفتم صفر، سند معتبری موجود نیست و دیدگاه عالمانی که سخن شهید اول را پذیرفته‌اند، مانند کفعمی در مصباح، شیخ بهایی و پدرش، فیض کاشانی، کاشف الغطاء، صاحب جواهر، جاپلغی و

محدث قمی در *انوار البهیه* به سند معتبری نمی‌رسد.

بیست و هشتم صفر در منابع

گروهی از گزارش‌های شیعه، روز شهادت امام حسن مجتبی علیهما السلام را چهارشنبه یا پنج‌شنبه^{۱۱۶} بیست و هشتم صفر می‌دانند و گروهی دیگر، روز دقیق شهادت را مشخص نکرده‌اند و یا آن را با عبارت کلی آخر صفر معرفی می‌کنند. بزرگانی، مانند سعد بن عبدالله اشعری در *المقاتلات و الفرق*^{۱۱۷}، نوبختی در *فرق الشیعه*^{۱۱۸}، کلینی در *الکافی*^{۱۱۹}، ابن خزاز در *کفایة الأثر*^{۱۲۰}، طبری امامی در *دلایل الإمامة*^{۱۲۱} و قتال نیشابوری در *روضة الواعظین*^{۱۲۲} زمان شهادت را روزهای آخر صفر می‌دانند.

گروهی دیگر از علماء، مانند شیخ مفید در *مسار الشیعة*^{۱۲۳}، شیخ طوسی در *مصباح المتجهد*^{۱۲۴}، شیخ طبرسی در *أعلام الوری*^{۱۲۵} و تاج الموالید^{۱۲۶}، ابن شهر آشوب در *مناقب آل ابی طالب*^{۱۲۷}، اربلی در *كشف الغمة*^{۱۲۸}، علامه حلی در *المستجد*^{۱۲۹}، حسن بن حسین شیعی سبزواری (زنده در ۷۵۷ ق) در *راحة الأرواح*^{۱۳۰}، کفعمی در *بلد الامین*^{۱۳۱}، روز دقیق شهادت را بیست و هشتم صفر می‌دانند.

در حقیقت این گروه، نظر گروه اول را تأیید می‌کنند. در این گروه شیخ مفید در *الارشاد*^{۱۳۲} و *المقنعة*^{۱۳۳} تنها از ماه صفر نام می‌برد، ولی در *مسار الشیعة*^{۱۳۴} بر دو شب باقی مانده از ماه صفر تأکید دارد. شیخ طوسی در کتاب *تهذیب الأحکام*^{۱۳۵} تنها به ذکر ماه صفر بسنده می‌کند، ولی در کتاب *مصباح المتجهد*^{۱۳۶} از بیست و هشتم صفر نام می‌برد. شیخ رضی الدین علی حلی در *العدد القویه*^{۱۳۷} تاریخ بیست و هشتم صفر را بر می‌گزیند. اربلی در *كشف الغمة*^{۱۳۸} در گزارش خود، نخست بیست و هشتم صفر را از طبرسی و سپس ماه صفر را از مفید در *الارشاد* نقل می‌کند و از روز دیگری نام نمی‌برد و این روش در گزارش او بیان‌گر آن است که وی گزارش شهادت امام مجتبی علیهما السلام در بیست و هشتم صفر را پذیرفته است.

در هیچ یک از این منابع، اشاره‌ای به شهادت امام حسن مجتبی‌علیه السلام در هفتم ماه صفر، حتی به صورت «قیل» نمی‌شود و این نشان دهنده تأکید ایشان بر تاریخ بیست و هشتم صفر است. شیخ مفید درباره تاریخ‌های ثبت شده در *مسار الشیعه*^{۱۳۹} که یکی از آن‌ها شهادت امام مجتبی‌علیه السلام در بیست و هشتم صفر است، می‌نویسد:

این تاریخ‌ها همواره به درازای روزگاران پیشین، مورد توجه صالحان شیعه

بوده و آنان روزهای شادی و حزن (اهل بیت علیهم السلام) را پاس می‌داشتند.

این سخن مفید، نشان می‌دهد که شیعیان در دوران وی و پیش از او در روز بیست و هشتم صفر برای امام مجتبی‌علیه السلام مجالس عزا بر پا می‌کردند.

محققان حدیث و تاریخ شیعه در سده‌های متأخر نیز، تصمیم واحدی برای این موضوع نگرفته‌اند؛ و بیشتر به بیان تمام گزارش‌ها می‌پردازند که به چند نمونه از آرای این بزرگان اشاره می‌کنیم مجلسی در *بحار الانوار*^{۱۴۰} و *مرآة العقول*^{۱۴۱} پس از بیان آخر صفر از کلینی و ابن خزاز و بیست و هشتم صفر از شیخ مفید و ابن شهر آشوب و گزارش کردن هفتم صفر از شهید اول، هیچ‌گونه اظهار نظری درباره این دیدگاه‌ها نمی‌کند. او در *جلاء العیون* پس از بیان این گزارش‌ها، خبر شهادت آن حضرت علیه السلام را در آخر صفر، کلام مشهور می‌داند^{۱۴۲} و در کتاب *اختیارات*^{۱۴۳} که حاوی دیدگاه‌های نهایی او است بیست و هشتم صفر را به عنوان روز شهادت امام حسن علیه السلام بر می‌گزیند. بحرانی در *عوامل العلوم*^{۱۴۴} مامقانی در *تقیح المقال*^{۱۴۵} گزارش‌های پیشین را بیان کرده و در پی آن‌ها اظهار نظری نمی‌کنند. سید محسن امین در *اعیان الشیعه*^{۱۴۶} گزارش هفتم صفر را با تعبیر «قیل» بیان می‌کند و بیست و هشتم صفر را به عنوان روز شهادت آن حضرت علیه السلام انتخاب می‌کند.

نتیجه‌گیری

درباره تاریخ شهادت امام حسن علیه السلام در میان مسلمانان اختلاف نظرهایی وجود دارد و

در آثار شیعیان دو گزارش هفتم و بیست و هشتم صفر، بیشتر از سایر گزارش‌ها تأیید می‌شود.

درباره صحت گزارش هفتم صفر به سبب تردید در انتساب گزارش به راوی، دوری راوی از زمان وقوع رخداد و احتمال اشتباه در نسخه برداری از منبع اولیه، تردیدهای فراوانی وجود دارد. به همین سبب بسیاری از بزرگان شیعه در آثارشان به این تاریخ اشاره نمی‌کنند و یا ضمن اشاره به این تاریخ از تأیید و یا اظهار نظر درباره آن خودداری می‌کنند. در میان سایر گزارش‌های موجود درباره شهادت آن حضرت علیه السلام، روایت جنادة بن ابی امیه تابعی که در هنگام شهادت در کنار بستر آن حضرت علیه السلام حضور داشت و به این تاریخ با تعبیر کلی آخر صفر اشاره می‌کند، مورد تأیید و اعتماد بزرگانی، مانند محدث قمی قرار گرفته است و بسیاری از بزرگان شیعه، مانند شیخ مفید و شیخ طوسی در آثارشان تاریخ بیست و هشتم صفر را به عنوان زمان شهادت می‌پذیرند. بنابراین گزارش برتر و مورد تأیید درباره تاریخ شهادت امام حسن علیه السلام روز بیست و هشتم صفر است.

پی‌نوشت‌ها

۱. سعد بن عبدالله أبوخلف اشعری، المقالات والفرق، تصحیح محمد جواد مشکور، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱، ص ۲۴.
۲. حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعة، چاپ دوم، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م، ص ۲۴.
۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ ق / ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۴۶۱.
۴. علی بن محمد بن علی بن خزاز، کفایة الأثر، تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ق، ص ۲۲۹.
۵. حسن بن محمد بن حسن قمی، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبدالملک قمی، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، تهران: توس، ۱۳۶۱، ص ۱۹۴.
۶. محمد بن نعمان شیخ مفید، الارشاد (مصنفات مفید)، چاپ اول، قم: کنفرانس جهانی هزاره مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۱، جزء ۲، ص ۱۵.
۷. همو، مسار الشیعة (مصنفات مفید)، چاپ اول، قم: کنفرانس جهانی هزاره مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۷، ص ۴۹.
۸. محمد بن حسن شیخ طوسی، مصباح المتجهد، تصحیح حسین اعلمی، چاپ اول، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۸ ق / ۱۹۹۸ م، ص ۵۴۹.
۹. محمد بن جریر طبری امامی، دلائل الامامة، تحقیق مؤسسه بعثت، چاپ اول، قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۳ ق، ص ۶۰.
۱۰. امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، تحقیق مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول، قم: آل‌بیت، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۴۰۳.

۱۱. همو، تاج الموالید، تحقیق آیت الله مرعشی نجفی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ق، ص ۱۰۲.
۱۲. محمد بن فتال نیشابوری، روضة الواعظین، چاپ اول، بی‌جا، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۸.
۱۳. محمد بن شعیری، جامع الأخبار، چاپ دوم، قم: رضی، ۱۳۶۳، ص ۲۳.
۱۴. محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، تحقیق یوسف بقاعی، چاپ دوم، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۱ م، ج ۴، ص ۳۴.
۱۵. علی بن عیسی اربلی، كشف الغمة، تعلیقه سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق، ج ۱، ص ۵۱۵، ۵۱۶.
۱۶. محمد بن تاج الدین ابن طقطقی، الاصلی فی أنساب الطالبین، تحقیق مهدی رجایی، چاپ اول، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۱۸ ق / ۱۳۷۶ ش، ص ۶۲.
۱۷. ابوسعید حسن بن حسین شیعی سبزواری، راحة الارواح، تحقیق محمد سپهری، چاپ اول، قم: اهل قلم و میراث مکتوب، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۴۳.
۱۸. محمد بن مکی (شهید اول)، الدروس الشرعیة، تحقیق نشر اسلامی، چاپ اول، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۲، ص ۱۴۳.
۱۹. رضی الدین علی بن یوسف حلّی، العدد القویة، تحقیق سید مهدی رجایی و سید محمود مرعشی، چاپ اول، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق، ص ۳۵۰.
۲۰. ابراهیم بن علی بن حسن کفعمی، البلد الامین، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۸۲ ق، ص ۲۷۵.
۲۱. همو، المصباح، چاپ دوم، قم: منشورات الرضی، بی‌تا، ص ۵۱۰، ۵۲۲.
۲۲. حسین بن عبدالصمد عاملی، وصول الأخبار الی اصول الأخبار، تحقیق سید عبداللطیف الکوهمری، قم: مجمع الذخائر الاسلامیة، ۱۴۰۱ ق، ص ۴۲.
۲۳. محمد عاملی (شیخ بهایی)، توضیح المقاصد، تحقیق آیت الله مرعشی نجفی، قم: کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۶ ق، ص ۵۶۴.

۲۴. همو، جامع عباسی، تهران: مؤسسه انتشارات فراهانی، بی تا، ص ۱۸۸.
۲۵. محمد بن سعد، ترجمة الامام الحسن عليه السلام تحقيق سيد عبدالعزيز طباطبائي، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۶ ق، ص ۹۱.
۲۶. مصعب زبیری، نسب قریش، تصحیح لیلی بروفسنال، چاپ سوم، قاهره: دارالمعارف، بی تا، ص ۴۰.
۲۷. عبدالله بن مسلم ابن قتیبه دینوری، المعارف، تحقیق ثروة عكاشة، چاپ اول، قم: منشورات رضی، ۱۴۱۵، ص ۲۱۲.
۲۸. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۶ م، ص ۲۹۹.
۲۹. عبدالله بن محمد بن عبید ابن ابی الدنیا، مقتل الامام الامیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عليه السلام تحقیق محمد باقر محمودی، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ص ۱۱۵.
۳۰. محمد بن احمد دولابی، الذریة الطاهرة، تحقیق سید محمود جواد حسینی جلالی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۰۵.
۳۱. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبد المجید السلفی، چاپ دوم، بیروت: احیاء التراث، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م، ج ۳، ص ۷۱.
۳۲. احمد بن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب العربی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۰.
۳۳. یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد بحاوی، چاپ اول، بیروت: دارالجلیل، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م، ج ۱، ص ۳۸۹.
۳۴. محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۰ م، ج ۳، ص ۱۹۰.
۳۵. علی بن حسن ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی عاشور، چاپ اول، بیروت:

۳۶. احیاء التراث، ۱۴۲۱ ق. ۲۰۰۱ م. ج ۷، جزء ۱۴، ص ۱۲۲.
۳۶. عبدالرحمن بن علی بن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم، تحقیق محمد عبدالقادر و مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م، ج ۵، ص ۲۲۵.
۳۷. یوسف بن فرغلی بن عبدالله سبط بن جوزی، تذکرة الخواص، تهران: مکتبه نینوا، بی تا، ص ۲۱۱.
۳۸. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بی جا: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م، ج ۱۶، ص ۹.
۳۹. محمد بن یوسف گنجی شافعی، کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد هادی امینی، چاپ سوم، تهران: داراحیاء التراث لأهل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۲ ش، ص ۴۱۵.
۴۰. احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۵.
۴۱. نعمان بن محمد تمیمی أبوحنیفه مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، تحقیق سید محمد حسینی جلالی، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۳۱.
۴۲. شمس الدین ابوجعفر محمد بن ایوب حاسب طبری، ابواب منتخبات زریج مفرد، به اهتمام رحیم رضازاده ملک، تهران: مرکز پژوهش میراث مکتوب، ۱۳۸۵، ص ۶۳.
۴۳. ابن سعد، پیشین.
۴۴. مصعب زبیری، پیشین.
۴۵. ابن قتیبہ دینوری، پیشین.
۴۶. احمد بن یحیی بلاذری، پیشین.
۴۷. ابن ابی الدنیا، پیشین.
۴۸. احمد بن علی خطیب بغدادی، پیشین، ص ۱۴۰ - ۱۴۱.
۴۹. ر. ک: ذہبی، سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعیب الأرنؤوط، حنین الاسد، چاپ الناسعة،

بيروت: مؤسسه الرساله، ١٤١٣ ق / ١٩٩٣ م.

٥٠. ابن حبان، مشاهير علماء الامصار، تحقيق مزروق على ابراهيم، بي جا: دارالوفاء للطباعة والنشر والتوزيع، المنصورة، ١٤١١، ص ٢٤ - ٢٥.

٥١. الرازى، الجرح والتعديل، بيروت: داراحياء التراث العربى، ١٣٧٢ ق / ١٩٥٢ م، ج ٧،

ص ٢٤٢.

٥٢. سليمان بن احمد طبرانى، پيشين.

٥٣. ذهبى، پيشين، ج ١١، ص ٤٥٥.

٥٤. محمد بن عبدالله حاكم نيشابورى، پيشين.

٥٥. احمد بن على خطيب بغدادى، پيشين.

٥٦. ابن عبدالبر، پيشين.

٥٧. ابن عساکر، پيشين.

٥٨. محمد بن ابى بكر تلمسانى برى، الجوهره فى نسب الامام على و آله، تحقيق محمد

تونجى، بيروت: مكتبة النورى، ١٤٠٢، ص ٣٢.

٥٩. سبط بن جوزى، پيشين.

٦٠. ابن عساکر، پيشين، ج ٧، جزء ١٣، ص ٢١٦.

٦١. ابن ابى الحديد، پيشين، ص ١٤.

٦٢. ابن خزاز، پيشين.

٦٣. همان، مقدمه.

٦٤. شيخ عباس محدث قمى، منتهى الآمال، تحقيق صادق حسن زاده، چاپ اول، قم:

مؤمنين، ١٣٧٩ ش، ج ١، ص ٤٩٦، ٤٩٧.

٦٥. شيخ مفيد، مسار الشيعه، پيشين، ص ١٨.

٦٦. محمد باقر مجلسى، بحار الانوار، چاپ سوم، بيروت: داراحياء التراث العربى، ١٤٠٣ ق

- ۱۹۸۳ م، ج ۸۱، ص ۲۷۴.
۶۷. یعقوبی، پیشین، ج ۲، ص ۶.
۶۸. ابن سعد، پیشین، ص ۹۰.
۶۹. شیخ مفید، الارشاد، پیشین.
۷۰. همو، المقنعة (مصنفات مفید)، چاپ اول، قم: کنفرانس جهانی هزاره مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۴۶۵.
۷۱. محمد بن حسن شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، تحقیق سید حسن موسوی، بیروت: دارصادر و دارالتعارف، بی تا، ج ۶، ص ۴۵.
۷۲. شهید اول، الدروس الشرعیة، پیشین، ج ۲، ص ۷.
۷۳. عبدالله مامقانی، تنقیح المقال، تحقیق محمدرضا مامقانی، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۸۶.
۷۴. اربلی، مجلسی و بحرانی، شهادت امام مجتبی علیه السلام را در ماه صفر بدون تعیین روز آن از الارشاد شیخ مفید نقل می کنند. اربلی، پیشین، ص ۵۸۵؛ محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۴، ص ۱۵۸؛ عبدالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم، تحقیق مدرسه الامام مهدی (عج) چاپ اول، قم: مدرسه الامام مهدی (ع)، ۱۴۰۵ ق / ۱۳۶۳ ش، ج ۱۶، ص ۲۷۴.
۷۵. مجله تراثنا، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۰ ق، سال پنجم، شماره ۲، ص ۱۱۷.
۷۶. فواد سزگین، تاریخ التراث العربی، ترجمه محمود فهمی حجازی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م، ج ۱، ص ۳۰۳.
۷۷. همان.
۷۸. قاسم بن ابراهیم رسی، تثبیت الأمة، تحقیق صالح وردانی، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الغدیر، ۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۸ م، مقدمه تحقیق، ص ۲۲.
۷۹. همان، ص ۶۹.
۸۰. همان، ص ۷۱.

۸۱. فؤاد سزگین، پیشین، ص ۳۲۸.
۸۲. علی بن محمد بن علی بن محمد العلوی العمری، *المجدی فی أنساب الطالبین*، تحقیق الشیخ احمد المهدی دامغانی، قم: مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق، ص ۷۵.
۸۳. فؤاد سزگین، پیشین، سید احمد حسینی اشکوری، *مؤلفات الزیدیه*، چاپ اول، قم: کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۱۸۹؛ سید علی موسوی نژاد، *تراث الزیدیه*، چاپ اول، قم: معهد الدراسات الادیان و المذاهب، ۱۴۸۴ ش / ۲۰۰۵ م، ص ۴۶ - ۵۱.
۸۴. آقا بزرگ تهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، چاپ سوم، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م، ج ۲، ص ۳۳۲، ۵۱۶؛ سید احمد حسینی اشکوری، همان.
۸۵. فؤاد سزگین، پیشین، سید علی موسی نژاد، پیشین.
۸۶. احمد بن علی نجاشی، *رجال النجاشی*، تحقیق محمد جواد نائینی، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۹۸ م، شماره ۸۵۹.
۸۷. همان.
۸۸. حسن بن علی بن داوود، *کتاب الرجال*، تحقیق سید جلال الدین حسینی ارموی، تهران: دانشگاه، ۱۳۸۳ ق، ص ۲۷۵.
۸۹. قاسم بن ابراهیم رئی، پیشین.
۹۰. همان، روی جلد، فؤاد سزگین، پیشین.
۹۱. احمد بن علی بن عنبه، *عمدة الطالب فی أنساب آل أبي الطالب*، قم: انصاریان، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۶ م، ص ۱۵۶.
۹۲. العمری، پیشین، ص ۷۷.
۹۳. همان، ص ۷۴.
۹۴. سید حسن امین، سید عبدالعزیز طباطبایی و محمدرضا جعفری، *حیة الشیخ مفید*، چاپ دوم، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۳ م، ص ۵ - ۲۱.
۹۵. فؤاد سزگین، پیشین.

۹۶. ابن خزاز، پیشین.
۹۷. همان.
۹۸. شیخ عباس محدث قمی، پیشین.
۹۹. علی زمانی قمشاهی، *هیئت و نجوم اسلامی (تاریخ شمسی اسلامی)*، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق علیهما السلام، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۵۷.
۱۰۰. کفعمی، *بلد الامین*، پیشین.
۱۰۱. همو، *المصباح*، پیشین.
۱۰۲. حسین بن عبدالصمد عاملی، پیشین.
۱۰۳. شیخ بهایی، *جامع عباسی*، پیشین.
۱۰۴. همو، *توضیح المقاصد*، پیشین.
۱۰۵. فیض کاشانی، *تقریم المحسنین*، چاپ سنگی، بی‌جا، بی‌تا، ص ۱۵.
۱۰۶. ابوالحسن علی بن اسماعیل کاشف الغطاء، *کشف الغطاء عن مبهات الشریعة الفراء*، تحقیق دفتر تبلیغات اسلامی شاخه خراسان، چاپ اول، قم: بوستان کتاب، ۱۴۲۲ ق / ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۹۶.
۱۰۷. الشیخ محمد حسن نجفی، *جواهر الکلام*، تحقیق شیخ عباس القوجانی، الطبعة الثالثة، بی‌جا: دارالکتب الاسلامیة آخوندی، ۱۳۶۷، ج ۲۰، ص ۸۸.
۱۰۸. سید علی اصغر جابلقی، *طرائف المقال*، تحقیق سید مهدی رجایی، چاپ اول، قم: کتاب‌خانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۲۱۹، ۲۲۰.
۱۰۹. شیخ عباس محدث قمی، *الانوار البهیة*، چاپ اول، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۷ ق، ص ۸۹ - ۹۲.
۱۱۰. همو، *سفینة البحار*، تحقیق مجمع البحوث الاسلامیة، چاپ اول، مشهد: آستان قدس، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۶۰۱، ۶۰۲.
۱۱۱. همو، *مفاتیح الجنان*، بی‌جا، بی‌تا، اعمال ماه صفر.

۱۱۲. همو، *منتهی الآمال*، پیشین، ص ۴۹۱.
۱۱۳. شیخ عباس محدث قمی، *فیض العلام فی عمل الشهور و وقایع الایام*، قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۳، ص ۲۰۱، ۲۰۲.
۱۱۴. همو، *سفینه البحار*، پیشین، ص ۶۰۲، در متن سفینه البحار تعبیر «أوفی سابقه کما قال المفید و الکفعمی» ثبت شده است که تعبیر صحیح آن «کما قال الشهید و الکفعمی» است و تعبیر «کما قال المفید» از خطای دید است که سخن شهید را به مفید نسبت می‌دهد؟ زیرا شیخ مفید در هیچ یک از کتاب‌هایش از هفتم صفر نام نمی‌برد.
۱۱۵. همو، *منتهی الآمال*، پیشین، ص ۴۹۶، ۴۹۷.
۱۱۶. ابن خزاز، پیشین، شهید اول، *الدروس الشریعه*، پیشین، ج ۲، ص ۷، کفعمی، پیشین.
۱۱۷. سعد بن عبدالله اشعری، پیشین.
۱۱۸. حسن بن موسی نوبختی، پیشین.
۱۱۹. محمد بن یعقوب کلینی، پیشین.
۱۲۰. ابن خزاز، پیشین.
۱۲۱. محمد بن جریر طبری امامی، پیشین، ص ۱۵۹.
۱۲۲. محمد بن فتال نیشابوری، پیشین.
۱۲۳. شیخ مفید، *مسار الشیعه*، پیشین، ص ۴۷.
۱۲۴. شیخ طوسی، *مصباح المتجهد*، پیشین.
۱۲۵. طبرسی، *اعلام الوری بأعلام الهدی*، پیشین.
۱۲۶. همو، *تاج الموالید*، پیشین.
۱۲۷. ابن شهر آشوب، پیشین.
۱۲۸. اربلی، پیشین، ص ۵۱۶.
۱۲۹. حسن بن یوسف حلّی، *المستجد من کتاب الارشاد*، تحقیق آیت الله مرعشی نجفی، قم: کتاب‌خانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۶ ق، ص ۴۴۱.

۱۳۰. شیعی سبزواری، پیشین.
۱۳۱. کفعمی، بلدالامین، پیشین.
۱۳۲. شیخ مفید، الارشاد، پیشین.
۱۳۳. همو، المقنعة، پیشین.
۱۳۴. شیخ مفید، مسار الشیعة، پیشین.
۱۳۵. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، پیشین.
۱۳۶. همو، مصباح المتجهد، پیشین.
۱۳۷. رضی الدین علی بن یوسف حلّی، العدد القویة، پیشین.
۱۳۸. علی بن عیسیٰ اربلی، پیشین، ج ۱، ص ۵۱۶، ۵۴۲، ۵۸۴.
۱۳۹. شیخ مفید، مسار الشیعة، پیشین، ص ۱۸.
۱۴۰. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، پیشین، ج ۴۴، ص ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۴۹.
۱۴۱. همو، مرآة العقول، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۳۵۱، ۳۵۲.
۱۴۲. همو، جلاء العیون (تاریخ چهارده معصوم)، چاپ اول، قم: سرور، ۱۳۷۳، ص ۸۳.
۱۴۳. همو، اختیارات، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی اسلامیة، بی تا، ص ۳۴.
۱۴۴. عبدالله بحرانی اصفهانی، عوام العلوم، پیشین.
۱۴۵. عبدالله مامقانی، تنقیح المقال، پیشین.
۱۴۶. سید محسن امین، اعیان الشیعة، تحقیق سید حسن امین، بیروت: دارالتعارف، بی تا، ج ۱، ص ۵۷۶.